

تفسیر مفهومی «و أضلَّهُمُ السَّامِرِيَّ» در نظام هندسی سوره طه^۱

طاهره استخری* / نرگس خاتون حاجیان** / علی پورجوهری***

چکیده

خدای متعال در آیه ۸۵ سوره طه می‌فرماید: «وَ أَضَلَّهُمُ السَّامِرِيَّ». داستان سامری، در میان وقایع متعدد قوم موسی، دارای اشاراتی ظریف و قابل تأمل است. تعبیر قرآنی «اضل» با یک فاعل مشخص، اشاره به ضرورت آگاهی از عملکرد افراد فرصت‌طلب دارد. در اینکه بیان خداوند از پروژه موفق سامری در غیاب موسی و گمراه شدن قوم او چه هدفی دارد؟ مقاله حاضر تلاش کرده عملکرد سامری در سوره طه را با روش، تحلیلی - استدلالی و استنباطی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری مورد تبیین قرآنی قرار دهد. نظام هندسی سوره طه در بردارنده استدلال‌های عقلی بر پذیرش توحید و دوری از شرک است و داستان سامری ترسیم‌کننده شخصیتی با موقعیت اجتماعی و اهل نفاق است که برای رسیدن به رهبری از استدلال‌های عوام فریب استفاده می‌کند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که رمز رهایی از ضلالت، همراهی دائمی مردم با رهبر و جانشین او و پرهیز از منافقین و آگاهی از نگاره سامری‌هاست. نقشه سامری با سه الگوی: ارتداد از ایمان به کفر، ارتداد در تبعیت از موسی، تورات و هارون موفق به اخذ ضلالت قوم در کمترین زمان ممکن شد. این تحقیق با تبیین اقسام ارتداد و ارتباط مفهومی «اضل» با ارتداد، نتایج انگاره سامری را در قوم موسی و امت اسلام مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی دانشجوی محترم از دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا است.
* دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا، فسا، ایران.
** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد استهبان، استهبان، ایران (نویسنده مسئول).
nahajian106@gmail.com
a.pourjavaheeri@gmail.com
*** استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج، یاسوج، ایران.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

آیه ۸۵ طه، تفسیر کلامی، ارتداد گروهی، اضلال بنی اسرائیل، داستان سامری.

طرح مسئله

شروع داستان گوساله‌پرستی در بنی‌اسرائیل با سامری است و آیه «وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» آغاز معرفی این شخصیت است. سوره طه با معرفی سامری به‌عنوان عامل ارتداد، بیان می‌کند که او توانست در غیاب موسی تأثیری عمیق بر اعتقادهای قوم بگذارد، آن‌چنان‌که بعد از دیدن معجزه‌های فراوان، گوساله‌پرستی اتخاذ کرده و با نافرمانی از دستورهای موسی، هارون را کنار زده و حتی تصمیم بر قتل او گرفتند. (اعراف / ۱۵۰) و این درحالی است که حضرت موسی علیه السلام قبل از رفتن به میقات، سرپرستی قوم را به حضرت هارون علیه السلام داده و همه را به تبعیت از او فرمان می‌دهد. (اعراف / ۱۴۲) داستان گوساله‌پرستی این قوم در سوره‌های متعددی مطرح شده است. (بقره / ۵۱، ۵۴، ۹۲ و ۹۳؛ نساء / ۱۵۳؛ اعراف / ۱۴۸؛ طه / ۸۸) در تمام این آیات گوساله‌پرستی به قوم بنی‌اسرائیل نسبت داده شده و آنها را ظالم به خود و پرستش گوساله را کفر بعد از ایمان، بیان نموده است و فقط در یک آیه، (طه / ۸۵) سامری را عامل گوساله‌پرستی قوم معرفی می‌کند. برهمن پایه نظام هندسی این سوره می‌بایست بیان‌کننده شخصیت، پروژه و هدف سامری باشد. این حجم از ارتداد در هیچ داستانی از قرآن کریم بیان نشده است، به‌همین دلیل این آیه از آن جهت حائز اهمیت است که یک نفر می‌تواند چنان بر افکار و اعتقادهای یک قوم اثر بگذارد که بازگشت به بت‌پرستی، بی‌توجهی به پیامبر الهی، کنار زدن جانشین پیامبر و تهدید به قتل او را یک‌جا ایجاد کند. امکانات سامری در گمراهی مردم عبارت است از: نفس‌پرستی، (طه / ۹۶) زیورات، (اعراف / ۱۴۸) / طه / ۸۷) جهالت مردم، (طه / ۸۸) زیرکی در طراحی نقشه ضلالت. (طه / ۹۶)

داستان سامری، به‌عنوان یک نگاره تأثیرگذار، مورد توجه مفسران بوده است و از جنبه‌های مختلف محل اعتنای پژوهشگران می‌باشد. عباسپور، علت گوساله‌پرستی قوم موسی را محبت بنی‌اسرائیل به گاو و گوساله و عجین شدن قلب آنها با شرک می‌داند. (عباسپور، ۱۳۹۰: ۱۶۲ / ۵۰ - ۳۱) اصفهانی معتقد است، دانشمندان قدرت مادی ندارند اما با نفوذ فکری و علمی بر دل‌های مردم تأثیر می‌گذارند و سامری را از این دسته می‌داند. (اصفهانی، ۱۳۹۰: ۶۴ / ۵) گلستانی می‌نویسد: بنی‌اسرائیل مردمی حس‌گرا بودند که با دیدن عصای حضرت موسی هنگام تبدیل شدن به اژدها، به او ایمان آوردند و با صدای گوساله سامری دست از ایمانشان برداشتند. (گلستانی، ۱۳۹۰: ۱۰۹ / ۵) شخصیت سامری و ویژگی گوساله و قوم بنی‌اسرائیل نیز مورد توجه عده‌ای دیگر قرار گرفته است. احمدی گفته است، سامری به دلیل جاه‌طلبی، به جای جایگاه اجتماعی گرفتار انزوای اجتماعی شد. (احمدی، ۱۳۹۰: ۹۲ / ۶) بعضی محققان به دنبال سامری‌های مجسم در عصر حاضر بوده و به‌عنوان مثال، تلگرام را سامری این عصر برشمرده‌اند. اما عنوانی که به بررسی نقش آفرینی سامری در ارتداد و شیوه‌های نوین آن پرداخته باشد، مشاهده نشد، رابطه ضلالت

با فعل سامری فقط در گوساله‌پرستی نبود، سامری با کنار زدن رهبر منتخب الهی و موسی، هم با خداوند مقابله کرد و هم با دستورات پیامبرش به ستیزه برخاست و ضلالتی را به وسعت چهارده قرن پایه‌گذاری کرد که عواقب آن شهادت یازده ولی منصوب خداوند و غیبت آخرین حجت الهی به بلندای ۱۲۰۰ سال شد. این مقاله به تحلیل مفهومی «و اضلهم السامری» در نظام هندسی سوره طه از جنبه ارتداد و وجوه آن و رابطه ارتداد با ضلالت و بی‌بهره‌گی امت اسلام از هشدارهای کتاب آسمانی پرداخته است. این جستار به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها است که آیا ارتداد فقط بازگشت از ایمان به کفر است یا پیروی نکردن از دستورات پیامبر و آیات الهی و مخالفت با جانشین پیامبر نیز ارتداد به‌شمار می‌آید؟ میان ارتداد و ضلالت چه نسبتی وجود دارد؟ با توجه به گوساله‌پرست شدن قوم و مخالفت آنان با فرمان حضرت موسی علیه السلام و بی‌توجهی به تذکرات هارون و مفهوم «اضلهم»، گویی آیه شریفه، ارتداد را در معنایی وسیع‌تر به تصویر کشیده است و این مفهوم از نظام هندسی سوره طه قابل استنباط است.

مفهوم‌شناسی واژگان

در این بخش مفهوم لغوی و قرآنی واژگان اصلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. «اضل»

«ضل» به معنای انحراف از حق و ضد هدایت و ارشاد است. بازگشت از راه مستقیم و «اضل» به معنای منحرف کردن و گمراه نمودن است. این واژه در قرآن کریم به خدای متعال، شیطان، فرعون و سامری نسبت داده شده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۹؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۹۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۳۹۰ - ۳۹۱؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷ / ۹) «اضلال» در کتاب‌های لغت به این معنای آمده است: ضایع کردن، باطل کردن، هلاک کردن، عذاب نمودن، گمراه ساختن، حکم به گمراهی کسی نمودن یا او را گمراه نامیدن، به شک و تردید انداختن، امر را مشتبه کردن. (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۷ / ۴۱۳ - ۴۱۱؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۷۴۸؛ عسکری، ۱۴۱۲: ۳۹۳)

کاربرد قرآنی «اضلهم»

واژه «اضلهم» که ترکیبی از «اضل» و «هم» می‌باشد، فقط در آیه ۸۵ سوره طه به کار رفته است. در این آیه فاعلش سامری و منظور از ضمیر «هم» قوم موسی علیه السلام می‌باشد. «اضل» بر وزن افعال از ریشه «ضلل» است و تمام کاربردهای آن در قرآن کریم به معنای گمراهی و دوری از هدایت یا بازگشت از راه حق است. گمراهی بسیار دور در چهار آیه عبارت است از: کفر به خداوند و ملائکه و کتب آسمانی

و پیامبران الهی و روز آخرت و ممانعت از ورود به راه خداوند و شرک و مخالفت با خدا و رسول ﷺ.
(نساء / ۱۱۶، ۱۳۶ و ۱۶۷؛ احزاب / ۳۶)

گمراه‌ترین انسان‌ها کسانی هستند که از هوای نفس خود پیروی کرده و خدایانی را می‌خوانند که تا روز قیامت قادر به پاسخ‌گویی آنها نیستند. (احقاف / ۵) در سیزده آیه، اضلال به خداوند نسبت داده شده است که به معنای به خود واگذار کردن بنده گنه‌کار بعد از هدایت‌ناپذیری است. (نساء / ۸۸؛ ۱۴۳ و ...)
در ساختار معنایی آیه ۸۵ طه، یک نفر عامل گمراهی عده زیادی می‌شود. «اضل» مفرد است و فاعل آن سامری و «هم» ضمیر جمع و مفعول است و به قوم باز می‌گردد.

۲. سامری

«سامری» از ریشه «سمر» به معنای گفتگو در شب است؛ به معنای شب تاریک، شب و سایه مهتاب نیز گفته‌اند. سمیر به معنای دهر و سامره قومی از یهودست که در برخی از احکام با آنها اختلاف دارند و سامری یکی از بزرگان بنی‌اسرائیل است که گوساله‌ای ساخت و قوم را دعوت به پرستش آن کرد. (فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۱ / ۴۱۰؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۳ / ۳۲۰) کلمه «سامری» سه مرتبه در قرآن کریم به‌کاررفته است و هر سه مورد در سوره طه (آیات / ۸۵؛ ۸۷ و ۹۵) است.

شخصیت سامری

شخصیت سامری در تفاسیر متعدد، مورد بررسی قرار گرفته است.

سامری فردی منافق و فرصت‌طلب و متمایل به فرمانروایی بود. او از بزرگان بنی‌اسرائیل و در گمراه کردن مردم زبردست بود، عده‌ای فرصت‌طلب و ضعیف‌النفس - که قبل از ظهور سامری متمایل به خلق موسی ﷺ داشتند - دور او را گرفتند. با تأخیر موسی، سامری شایع کرد که موسی مرده و گوساله‌اش را علم کرد. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۷ / ۱۷۰ - ۱۶۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۸: ۹ / ۱۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶ / ۳۷۰)
شاخصه دیگر سامری تابع نفس خویش بودن است: «وَكذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي». (طه / ۹۶)

«سَوَّلْتُ لَهُمْ» دارای دو معناست؛ یکی زیبا نشان دادن زشتی‌ها و دوم آسان کردن مسیر غلط؛ یعنی شیطان راه انحراف را راهی ساده جلوه می‌دهد. (قرآنی، ۱۳۸۷: ۵۵) واژه «سَوَّلْتُ» چهارمرتبه در قرآن کریم (یوسف / ۱۸ و ۸۳؛ محمد / ۲۵ و طه / ۹۶) به‌کار رفته است. فاعل این فعل، یک‌بار شیطان (محمد / ۲۵) و در سه مورد دیگر، هوای نفس است.

در سوره محمد ﷺ سخن از منافقان است که کارشان فساد در زمین و قطع رحم است. شیطان برای

آنها تسویل (تزیین) کرد و این تزیین گاهی موجب به چاه انداختن برادر و گاهی برپایی عجلی به جای خدا می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵: ۱۰ / ۸۹۵ و ۱۳۸۸: ۸۸۸)

در آیه ۱۸ و ۸۳ یوسف، یعقوب نبی برای تفهیم خطای برادران یوسف از «سول» استفاده می‌کند، یعنی نفس شما این کار اشتباه را برایتان آراست. از واژه «سول» دریافت می‌شود که، کار سامری و برادران یوسف و منافقان عصر پیامبر ﷺ از یک‌جا سرچشمه می‌گیرد و آن پیروی از هوای نفس است: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ». (ص / ۲۶)

نکته قابل توجه در آیات فوق، شباهت عملکردی شخصیت این داستان‌ها، در پیروی نکردن از دستور پیامبر و مخالفت قطعی در تضعیف و قتل جانشین پیامبرشان است. کار برادران یوسف از بین بردن جانشین یعقوب و وزارت خودشان بود، «اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَ...». (یوسف / ۹) آنها خود را برای جانشینی پدر شایسته‌تر دانسته و یعقوب نبی را در انتخاب یوسف در گمراهی آشکار می‌دیدند: «وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». (یوسف / ۸)

سامری نیز خود را زیرک‌تر از سایرین می‌پنداشت و به دلیل قدرت‌طلبی، نفاق، نفس‌پرستی و فرصت‌طلبی موجبات ارتداد قوم را فراهم کرد: «قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ». (طه / ۹۶)

آیه شریفه «وَأَنْظُرْ إِلَىٰ إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا...» (طه / ۹۷) دلالت دارد که سامری وثنی بوده است. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۴ / ۱۹۷)

۳. نظام هندسی

«نظام» از «نظم» به معنای ترتیب، روش، سبک، مقررات، ضابطه و قانون، دستورالعمل و مقررات آمده است. (میرزایی، ۱۳۸۱: ۵۷۱) «هندسی» برگرفته شده از «هندس» به معنای اندازه‌گیری و نقشه‌کشی است، و «علم هندسه» از اندازه‌گیری مساحت و اشکال بحث می‌کند. (بستانی، ۱۳۶۶: ۶۴۸)

مقصود از اصطلاح «نظام هندسی» کشف نظم و معماری سوره و فهم هندسی آن است که به تفسیر عمودی متن و تبیین علی و معلولی چیدمان و روابط آیات می‌پردازد. نظام هندسی هر سوره چگونگی سازماندهی آیات سوره را بیان می‌کند. (مجددقیهی، ۱۴۰۰: ۱۰)

۴. ارتداد

صاحب‌نظران در مورد این واژه گفته‌اند: ارتداد به معنای، چیزی را به عقب برگرداندن است. در قرآن کریم

ارتداد به معنای بازگشت از دین یا ایمان به سمت کفر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۱۷۲؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۷) واژه ارتداد در دوازده آیه به کار رفته است. مفهوم ارتداد در این آیات عبارت‌اند از: بازگشت از دین، (بقره / ۲۱۷؛ مائده / ۵۴) کفر بعد از ایمان، (بقره / ۱۰۹؛ آل عمران / ۹۰ و ۱۰۰؛ توبه / ۶۶) بازگشت به عقب و کفر بعد از اسلام، (آل عمران / ۱۴۴ و ۱۴۹؛ توبه / ۷۴) بازگشت به عقب قبل از بعثت موسی. (مائده / ۲۱) بازگشت به عقب بعد از هدایت الهی، (انعام / ۷۱؛ محمد / ۲۵) در آیه ۲۱ سوره مائده حضرت موسی علیه السلام خطاب به قومش می‌فرماید: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَأَعْيُنُهُمْ كَالْحِجَابِ يُحْشِرُونَ كِتَابَهُمْ وَيَخْتَلِفُونَ عَلَيْهِ لَمَّا يُتْلَىٰ لِيُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَكْذِبُونَ وَأَقْبِرُوا فَنَقَّبُوا لَهَا خَا سِرِينَ» این آیه نتیجه ارتداد را زیانکاری بیان می‌کند. در بسیاری از امت‌ها بازگشت به کفر بعد از ایمان وجود داشته، داستان سامری تذکری است به اهل خشیت «إِلَّا تَذَكِّرَهُ لِمَنْ يَخْشَى» (طه / ۳) برای نهی از بازگشت به جاهلیت. نظام هندسی سوره طه، با معرفی سامری تصویر کاملی از انواع ارتداد را به مخاطب می‌دهد.

۵. نظام هندسی سوره طه

اکثر صاحب نظران در مورد نظام هندسی سوره طه، مبحث توحید و معرفی انسان توحیدی و مشرک، نابودی فرعون و سامری به عنوان عامل گمراهی بنی‌اسرائیل و داستان آدم و اغوای شیطان را مطرح کرده‌اند و اینکه سوره طه به انذار طاغیان پرداخته تا تذکری برای دیگران باشد.

هدف این سوره تذکر از راه انذار است. داستان‌های مبین نابودی طاغیان و مجازات آنهاست و بیان حجت‌های روشنی که هر عقلی را به پذیرش توحید متمایل می‌کند. داستان موسی از جنبه انسانی در این سوره مطرح شده، فرعون و سامری در اوج ضلالت و موسی شخصیتی مقاوم در برابر ضلالت. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۴ / ۱۶۳ - ۱۶۲؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۷ / ۱۰۳ - ۱۰۲؛ قرشی، ۱۳۹۱: ۶ / ۳۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۳ / ۱۷۵)

به نظر می‌رسد، طرح نقشه سامری و رهبری ارتدادگونه او و تشریح تضعیف هارون و آثار زیانبار آن در فهرست نظام هندسی سوره طه خالی است.

۶. مقایسه آیات ارتداد با داستان سامری

بسیاری از آیاتی که دارای مضامین مشترک هستند، مفسر یکدیگرند. عملکرد سامری در دعوت به شرک، با آیات ارتداد مفاهیم مشترکی دارند. دو نمونه از این آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قُلْ أَتَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ

أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا ... (انعام / ۷۱)
 فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ
 مُوسَى فَنَسِيَ * أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ
 لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا. (طه / ۸۹ - ۸۸)

لغت‌شناسان گفته‌اند، عجل مذکر و به معنای گوساله نر یک‌ساله است. (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۵ / ۴۶۷)
 «وَوُزِدُوا عَلَيَّ أَعْقَابِنَا»: ردّ بر اعقاب کنایه از ترک هدایت است و ارتداد، لازمه‌اش برگشتن
 به پشت سر است. در اینجا برگشت به عقب بعد از هدایت الهی انجام شده است. (طباطبایی، بی‌تا: ۷ /
 ۱۴۳) قرآن کریم در آیه ۸۹ سوره طه هم می‌فرماید: اینها بعد از ایمان به موسی، برگشت به عقب داشته
 و گوساله را خدای خود قرار داده‌اند، مگر نمی‌بینند که گوساله پاسخ آنها را نمی‌دهد و سود و زبانی برایشان
 ندارد. این ارتداد هم بعد از هدایت است و مرتدان چیزی را می‌پرستند که حتی مالک سود و زیان خود
 نیست. هر دو آیه روی آوردی مرتدان به موجودی بی‌خاصیت را منع کرده است.

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَيَّ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ
 الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ. (محمد / ۲۵)
 وَكَذَلِكَ سَوَّلْتُ لِي نَفْسِي. (طه / ۹۶)

آیه نخست منافقان عصر پیامبر ﷺ را توصیف می‌کند، آنها بعد از روشن شدن راه هدایت، بازگشت به
 عقب داشته و شیطان کارهایشان را برایشان آراست و فریب‌شان داد. فاعل «سوّل» شیطان است. آیه دوم
 از زبان سامری منافق بیان شده که گفته، نفسم این کار را برایم بیاراست و من را فریب داد. هر دو آیه
 پیروی از هوای نفس و شیطان را عامل ارتداد می‌داند.

۷. تتبع ارتداد در نظام هندسی سوره طه

با مطالعه سوره طه، شاخصه‌های مهمی برای دریافت مفهوم ارتداد حاصل می‌شود. نظام هندسی این
 سوره افزون بر موارد ذکر شده، پرده از دو ارتداد دیگر برمی‌دارد که در آیات فوق بیان نشده است و آن
 مخالفت با موسی و هارون ﷺ است.

سامری در مرحله نخست طراح گوساله‌ای است که به اسم خدای موسی و مردم به قومش معرفی
 می‌کند بعد نماینده و جانشین موسی را تضعیف و تهدید به قتل کرده و با کنار گذاشتن او، مردم را به
 حمایت از همان جسد بی‌خاصیت فرامی‌خواند. (طه / ۸۸؛ اعراف / ۱۵۰) ولی خداوند، استدلال‌های
 هدایت‌گرانه و مستحکمی برای مردم می‌آورد (طه / ۹۰) اما آنها نمی‌پذیرند. (طه / ۹۱) هارون در هدایت

مردم، امر پیامبرش را نافرمانی نکرده (طه / ۹۳) فقط از ترس تفرقه و پراکندگی مردم، سکوت اختیار می‌نماید. (طه / ۹۴)

هارون علت سکوتش را چنین بیان می‌کند، این قوم نزدیک بود من را بکشند و اگر مقاومت می‌کردم، جنگ داخلی راه می‌افتاد و همدیگر را می‌کشتند و کسی باقی نمی‌ماند و من از ترس تفرقه آنها سکوت کردم. (جوادی آملی، ۱۳۸۸) بنابراین ارتداد که به معنای کفر بعد از ایمان و بازگشت به عقب ترجمه شده، افزون بر شریک قرار دادن برای خداوند، در متابعت نکردن از دستورهای پیامبر و جانشین بر حق پیامبر، معنا پیدا می‌کند. خشم و عصبانیت و تأسف موسی هنگام ورود به قوم و مؤاخذه قوم و سپس هارون می‌تواند دلیلی بر همین معنا باشد: «وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ» (اعراف / ۱۵۰؛ طه / ۸۶) افزون بر آن، این مفهوم در آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء / ۵۹) نیز هویدا است. وقتی اطاعت از پیامبر و اولوالامر در راستای اطاعت از خداوندست، نافرمانی از پیامبر و صاحبان امر، نافرمانی از خدا و ارتداد به کفر است. در ادامه عملکرد مرتدانه سامری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یک. سامری و ارتداد از ایمان به کفر

«فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورًا فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ». (طه / ۸۸) سامری جسدی را که دارای خوار (صدای گاو) بود، ساخت و گفت همان طور که خدا از پشت شجره حلول کرده و با موسی سخن گفت الان در این گوساله حلول کرده و با شما سخن می‌گوید. «الهکم و اله موسی» هر جا سخن از عجل سامری است، جسد به کار می‌رود تا مشخص شود که سامری حیوانی را زنده نکرده است. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۴ / ۱۹۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱: جلسه ۴؛ تفسیر امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۱ / ۲۵۱)

دلیل سامری برای گمراهی قوم این بود که: چون شما طلای فرعونیان را با خود دارید و آن حرام است، موسی هم خلف وعده کرده و از میقات برنگشته. مصلحت در آن است که حفره‌ای درست کنیم و همه را در آن انداخته و بسوزانیم و سامری پیکره گوساله‌ای ساخت که صدا داشت. به قوم گفت، خدای موسی اینجاست، او گمراه شده و به خطا به کوه طور رفته است. واژه «نسی» در «فَنَسِيَ موسی» به معنای گمراهی و خطا نیز آمده است. (کاشانی، ۱۳۳۶: ۶ / ۱۳)

آیه ۸۳ طه برای درک مفهوم ارتداد خالی از لطف نیست، خداوند از حضرت موسی علیه السلام می‌پرسد: «وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَىٰ»؛ چرا با شتاب و قبل از قومت آمدی؟» سوال از دو جزء تشکیل

شده، چرا با شتاب؟ چرا زودتر از قوم؟ و موسی نیز دو پاسخ می‌دهد. پاسخ نخست دال بر این است که نگران قومش نیست، چون در پی موسی می‌آیند. «هم اولاء علی اثری» و در مورد شتاب خودش با «لترضی» پاسخ می‌دهد: «اولاء علی اثری» افزون بر پشت سر موسی حرکت کردن، پیروی از موسی در یکتاپرستی و دستورهای الهی نیز معنا شده است، برای بیان این منظور واژه «اثر» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

«اثر» در لغت به معنای نشانه و باقی‌مانده چیزی و به معنای بعد و پشت سر هم معنا شده است؛ یعنی کسی که رفته و راه و جای قدم‌هایش باقی است و دیگران در همان مسیر قدم می‌گذارند: «إِنَّهُمْ أَلْفُوا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ * فَهُمْ عَلَى آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ» (صافات / ۶۹ - ۷۰) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱ / ۶۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۱ / ۳۶۲؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۱۶ / ۲۷۸؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۱ / ۲۲)

مفسران شیعه و بعضی از صاحب‌نظران اهل سنت معتقدند: «اولاء علی اثری» یعنی قوم من همچنان پیرو من و رهرو راه من و به دین و راه و رسم من هستند و منتظرند که برگردم و دستورات دینی را به ایشان ابلاغ کنم. قوم هنگام بیرون رفتن موسی وضع خوبی داشتند و موسی از ناحیه قوم خیالش راحت بود. «ما اعجلک» در بردارنده تأخیر قوم است و موسی پاسخ می‌دهد که دنبال من هستند تا به میعادگاه برسند. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۴ / ۱۹۱؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۷ / ۱۶۹؛ طبرسی، بی‌تا: ۷ / ۳۹؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۷ / ۳۶۶) و بعضی از مفسران اهل سنت، منکر هم‌خوانی بین پاسخ موسی و سؤال خداوند هستند. سؤال از علت تعجیل است و پاسخ موسی با آن منطبق نیست. جواب موسی با سوال هم‌خوانی ندارد. پرسش از عجله کردن است و در پاسخ «هم اولاء» می‌آید، چون موسی به جز پیشرفت در سیره و روش خود، از قوم انتظاری نداشت. (زمخشری، بی‌تا: ۳ / ۸۱؛ خازن، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۹۹)

به نظر می‌رسد برخلاف دیدگاه صاحب‌نظران اهل سنت، «هم اولاء علی اثری» مبتنی بر هدایتگری و روشنگری‌های مدبرانه موسی برای قومش می‌باشد که سبب راحتی خاطر موسی در ترک آنها و زودتر به میعادگاه رسیدن شده است و جمله «قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ...» (طه / ۸۵) مقابل «هُمُ أَوْلَاءُ عَلِيٍّ أَثَرِي» (طه / ۸۴) است، یعنی آنها پیرو تو نیستند و به سادگی دست از آیین تو برداشته‌اند. از ارتباط مفهومی این دو آیه می‌توان نتیجه گرفت که موسی از راحتی خیالش نسبت به قوم سخن گفت و خداوند فرمود، خیلی خاطر جمع نباش، ما بعد از آمدن آنها را آزمودیم و قومت آزمون را باخته و گمراه شدند. فتنه سامری زمینه ابتلاء قوم شد و آنها با شنیدن صدا از مجسمه‌ای بی‌جان دل و دین باختند و قول سامری که این خدای شما و موسی است را به جان خریدند و این ارتداد

به کفر پس از هدایت بود.

دو. سامری و مخالفت با دستورات حضرت موسی علیه السلام

قوم موسی با گوساله‌پرستی بنای اولین مرحله مخالفت با موسی را گذاشتند: «فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمُ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيًّا». (طه / ۸۸) پس از آن سه عامل موجبات خشم خدا بر بنی‌اسرائیل را فراهم آورد که عبارتند از: «يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا»، «أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ»، «أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي». (طه / ۸۶)

۱. در معنای اول گفته‌اند: موسی به قومش گفت مگر خداوند وعده نداد که تورات را بر شما نازل کند تا با عمل به آن به سعادت برسید یا وعده نداد شما را از شر دشمن حفظ کند یا در زمین قدرت‌تان بدهد و نعمت‌های بی‌شمار به شما بدهد؟

۲. در معنای دوم گفته شده، آیا اقامت من در کوه طور طولانی شد و از برگشت من مایوس شدید؟

۳. در معنای سوم: یعنی قول دادید نیکو جانشینی من کنید و با تخلف در وعده من طالب نزول خشم خدا شدید؟ بعضی گفته‌اند، وعده موسی بر این بود که در نبود موسی از هارون پیروی کنند ولی خلف وعده کردند. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۴ / ۲۶۷)

موسی بعد از گزینش هفتاد نفر از قوم، هارون را در بین توده قومش جانشین خود کرد و به قومش گفت که میقات من ۴۰ روز طول می‌کشد و در این مدت از جانشین من هارون پیروی کنید. در میقات خداوند به او خبر داد که در نبود تو سامری قومت را گمراه کرده است. موسی غضبناک برگشت و با گروه گوساله‌پرست که می‌گفتند: «هَذَا إِلَهُكُمْ وَالْهَمْ مَوْسَىٰ» احتجاج می‌کند: می‌فرماید: «الْم يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا» چرا بی‌راهه رفتید؟ تمام وعده‌های خداوند که برای شما حق بود. «وَعَدًّا حَسَنًا» وعده نزول تورات با قوانین الهی بود که برای هدایت شما فرستاده شد، وعده چهل روز هم درست بود. «أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ» پس کدام عهد به درازا کشیده شد؟ بعد فرمود: «فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي» چرا به وعده من در مورد هارون عمل نکردید و نزدیک بود او را به قتل برسانید، به‌همین دلیل غضب الهی بر شما حلال شده است: «أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ». (جوادی آملی، ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹: ۷۰۰ - ۷۵۰)

«أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي»
با توجه به نظر مفسران خلف وعده با موسی، یعنی مخالفت با هارون و تابع فرمان موسی نشدن. در این

احتجاج، خداوند فقط در قبال جسارت در برابر جانشین پیامبر، از نزول خشم سخن می‌گوید. طبق این معنا اطاعت از پیامبر در راستای اطاعت از خداوندست: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء / ۸۰) و مخالفت با دستورات پیامبر در راستای مخالفت با خداوند بوده و نوعی ارتداد و بازگشت به کفر: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُجِبُ الْكَافِرِينَ» (آل عمران / ۳۲) «مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ». (توبه / ۱۲۰) شاید مفهوم «ما کان» این باشد که، اصلاً شایسته نیست که با دستورات پیامبر مخالفت کنید، چراکه این مخالفت جلوگیری از ایجاد نظم اجتماعی کرده و مخرب سلامت فرد و جامعه است.

این قوم به دلیل بهانه‌جویی و مخالفت مکرر با موسی، متصف به دو صفت خاسر و فاسق شده‌اند. (مانده / ۲۱ و ۲۶) این دو ویژگی برای رسیدن به هدف تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«فسق» به معنای ترک امر خداوند و نافرمانی و خروج از راه خدای سبحان است. «فسق» اعم از کفر است و بیشتر در گناهان بزرگ گفته می‌شود. فاسق کسی است که پایبند احکام شرع بوده و به آن اعتراف می‌کند، سپس تمام یا بعضی احکامش را زیر پا می‌گذارد. فاسق مقابل مؤمن «أَفْمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (سجده / ۱۸) و به معنای خروج از اطاعت خداوند است. (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۴۰۲ - ۴۰۱)

«خُسْر» به معنای مجازات به خاطر گناه است. (زیبیدی، ۱۴۱۴: ۶ / ۳۴۴) در سوره آل عمران خداوند به مؤمنان تذکر می‌دهد اگر از کافران پیروی کنند، موجب بازگشت شما از اسلام شده و شما خسارت‌زده باز می‌گردید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۹)

از مطالعه مجموعی این آیات به دست می‌آید، نافرمانی از اوامر پیامبر، به معنای خروج از اطاعت خداوند بوده و چنین شخصی فاسق است و مخالف حکم پیامبر به خاطر انجام چنین گناهی خسران‌زده است و مجازات می‌شود.

قوم موسی با پیروی از سامری، پرستش گوساله، نادیده گرفتن ۴۰ روز وعده موسی، انتشار شایعه مرگ موسی، کنار زدن هارون و اطاعت نکردن از او، تهدید هارون به قتل، بنای مخالفت با پیامبر خدا را گذاشتند. این نوع دوم ارتداد، یعنی مخالفت با رهبر الهی است.

سه. سامری و تضعیف هارون

سه کار مهم سامری طبق نظام هندسی سوره طه، منحرف کردن قوم در پیروی از خداوند، تحریک مردم برای برپایی علم مخالفت با موسی، تضعیف حضرت هارون علیه السلام جانشین حضرت موسی علیه السلام بود. او با این سه برنامه انحرافی به گمراهی قوم پرداخت و با مخالفت با موسی و هارون، بدعتی نو در دین الهی پدید آورد. (طه / ۸۶)

«وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف / ۱۴۲) سخنان موسی در مورد هارون در نظام هندسی این داستان حاکی از این است که موسی، هارون را به مردم معرفی کرده و از آنها خواسته که مطیع او باشند و به هارون هم سفارش کرده که برای اصلاح قوم تلاش کند. هارون طبق دستور موسی و وظیفه خود به قوم گفت از من پیروی کنید و فرمانم را اطاعت کنید: «فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي». (طه / ۹۰) از مطالب گفته شده استنباط می شود، مفهوم دو آیه در راستای یک هدف است. در یک آیه جانشینی هارون و در دیگری اطاعت از هارون، بر این پایه لازم است همخوانی جانشینی با اطاعت لحاظ گردد.

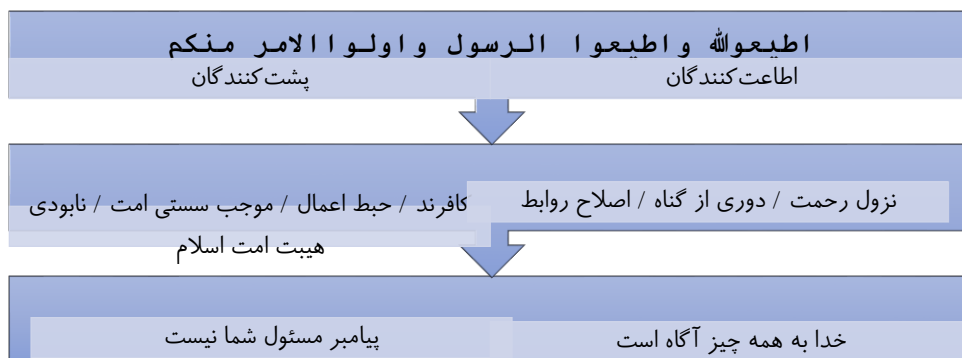
در منابع لغوی، دو معنا برای «امر» گفته شده است، یکی «امر» به معنای شأن، شیء، کار و حالت که جمع آن امور است. معنای دوم، «امر» یعنی طلب و فرمان که جمع آن اوامر است. (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۱ / ۱۳۸ - ۱۳۷) علامه طباطبایی مقصود از واژه «امر» در این آیات را شأن و کارهایی می داند که با امور دین و دنیای اهل ایمان ارتباط دارد. (طباطبایی، بی تا: ۴ / ۳۹۱) اما طبق نظر لغت شناسان قرار گرفتن واژه «امر» در کنار «اطیعوا» که به معنای فرمانبرداری است، معنای فرمان را تقویت می کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۹؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲ / ۲۰۹) یعنی فرمانداران الهی. هارون گفت از فرمان من امتثال کنید و وقتی اطاعت با فعل امر بیاید، تابع هارون شدن، حکم خداوند است و مخالفت با او ارتداد از فرمان الهی است، طبق این آیات مردم موظف به پیروی از کسی هستند که منصوب پیامبرشان باشد.

در تفاسیر متعدد از جانشینی هارون و تهدید و استضعاف او سخن گفته شده است: وقتی حضرت موسی علیه السلام برای دریافت تورات به میقات رفت، هارون را به جانشینی خود گماشت. به محض تأخیر موسی، سامری گوشه‌ای ساخت و به قوم گفت: این خدای موسی است و قوم آن را پرستیدند و هارون را زبون کرده و قصد قتلش کردند. (صدوق، بی تا: ۳۰)

طبق آیات، هارون به قوم تذکر داد که شما امتحان می شوید و در این ابتلاء سخت، از من پیروی کنید و امر من را برای رهایی از این فتنه اطاعت کنید: «وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا

أَمْرِي». (طه / ۹۰) دو واژه «اتبعونی» و «اطیعوا امری» مطلق آمده است و هیچ قیدی ندارد و این افزون بر رسالت، به احاطه علمی و معنوی ایشان نیز اشاره دارد، بررسی کلمه «اطیعوا» برای رسیدن به هدف تحقیق ضروری است.

واژه «اطیعوا» ۱۹ بار در قرآن کریم استعمال شده است. (آل عمران / ۳۲ و ۱۳۲؛ نساء / ۵۹ دومرتبه؛ مائده / ۹۲ دومرتبه؛ انفال / ۱، ۲۰ و ۴۶؛ نور / ۵۴ دومرتبه و ۵۶؛ محمد / ۳۳ دو مرتبه؛ مجادله / ۱۳؛ تغابن / ۱۲ دومرتبه و ۱۶؛ طه / ۹۰) در این آیات امر به اطاعت از خداوند و پیامبر ﷺ شده و اطاعت از رسول را در راستای اطاعت از خداوند قرار داده است. با بررسی نوزده آیه این نتیجه حاصل می‌شود که فعل «اطیعوا» در هفده آیه در اطاعت از خداوند و پیامبر ﷺ به کار رفته است و در یک آیه از سوره طه از زبان جانشین موسی بیان شده است و در آیه ۱۶ تغابن بعد از امر به اطاعت از خداوند و پیامبر ﷺ فرمان به تقوا و شنیدن سخن خداوند و اطاعت و انفاق داده است. نتایج حاصله از این آیات به قرار زیر است:



در آیه ۵۹ سوره نساء دستور به اطاعت از خداوند و رسول و اولوالامر می‌دهد، سه پایگاه اطلاعاتی ترسیم کرده است: خدا، رسول و اولوالامر و می‌فرماید: هنگام نزاع به خدا و رسول مراجعه کنید: «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ» در ادامه از «اولی الامر» سخنی به میان نیامده است، برای اینکه اگر درباره خود «اولی الامر» اختلاف کردید، به چه کسی مراجعه کنید؟ در این صورت باید به خدا و رسول مراجعه شود. رسول از طرف خداوند تعیین می‌کند که مردم باید به چه کسی مراجعه کنند. این تکرار برای تأکید یا تأیید نیست؛ بلکه اشاره به دو مطلب است: یکی اطاعت از خداست به‌وسیله پیامبر؛ دیگری اطاعت از رسول در همه امور جامعه. (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۶) اما بنی‌اسرائیل در اطاعت از موسی که فرمان به پیروی از هارون داده بود، کوتاهی کردند.

مطلب مهم بعد، مشخصه منحصر به فرد هارون است که با صراحت می‌گوید «اطیعوا امری» واژه «أخلفنی» در کنار «اطیعوا امری» گویای دانایی هارون در پاسخ‌گویی به مردم و ارشاد آنهاست. بنابراین

توصیف، وصی پیامبر متصف به دانایی و علم الهی است که به صراحت مردم را به اطاعت از علم و دانایی خود فرامی خواند.

سامری و عجل قادر به پاسخ دادن به مردم و حل مشکلات آنها نبوده و به حالشان سود و زیانی نداشتند. طبق روایاتی که اظهار داشته‌اند، سامری و عجل در هر قومی وجود دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که مردم باید از افرادی با مشخصات زیر پیروی کنند: اول منتخب و منصوب پیامبر باشد؛ دوم اطاعت از او در راستای اطاعت از خداوند و پیامبر بوده و سوم حامل علوم الهی باشد تا بتواند به سؤال‌های متعدد مردم پاسخ دهد. برای تبیین این گفتار به احادیثی چند استناد شده است:

از مبارک بن فضاله نقل شده که بعد از جنگ جمل شخصی از حضرت پرسید، یا علی من را راهنمایی کن این کشته‌ها همه به وحدانیت خداوند شهادت می‌دادند، دلیل این جنگ چه بود؟ حضرت داستانی از زمان حضور پیامبر ﷺ برایش نقل می‌کند که در آن واقعه پیامبر ﷺ فرمود: پس از من علی ﷺ مبلغ رسالات من و معلم امت من است. (طبرسی، ۱۳۸۱: ۱ / ۳۶۹ - ۳۶۷)

در روایت دیگری آمده است، در مسائلی که بعد از رسول خدا پیش می‌آمد، کسی جز علی بن ابی‌طالب پاسخ‌گوی مشکلات نبود، اما مردم علی ﷺ را رها کرده و به دنبال کسانی رفتند که حتی نمی‌توانستند پاسخ سؤال‌های آنها را بدهند. نقل شده خلیفه دوم بارها از پاسخ‌گویی به مردم عاجز بود و سؤال کننده را به نزد مولای متقیان می‌فرستاد، وقتی آن شخص پاسخ را به خلیفه می‌رساند، عمر بارها در جمع مردم می‌گفت: «لولا علي لهلك عمر» و عنوان می‌کرد که همه زن‌ها عاجز هستند که مانند علی به دنیا بیاورند. «سمعت رسول الله ﷺ يقول لا حد علي من اعترفت بعد بلاء إنه من قيد و حبس أو هدد فلا اقرار له، فخلي عمر سبيلها ثم قال عجزت النساء أن تلد مثل علي بن أبي طالب، لولا علي لهلك عمر.» «وروي أيضا مرفوعا إلي سلمان عن النبي صلي الله عليه وآله أنه قال أعلم امتي علي ابن أبي طالب سلمان از پیامبر ﷺ نقل کرده است که فرمود: داناترین امت من علی بن ابی طالب است.» (اسدی، ۱۳۹۲: ۱۵۴؛ حلی، ۱۳۷۵: ۱۱۸) در سخن هارون هم همین معنا وجود دارد وقتی به مردم می‌گوید: «فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي».

وقتی موسی علت ارتداد قومش را پرسید، بنی‌اسرائیل اعمال خود را توجیه کردند، موسی در پاسخ به آنها گفت که خدا به شما عقل داده که نیک و بد را از هم تشخیص بدهید و عقل بزرگترین حجت است اما حجت دوم هارون وصی من بود که شما را پند داد ولی به سخن او گوش ندادید. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۷ / ۱۶۸) طبق استدلال‌های ذکر شده سامری بنای سه نوع ارتداد را گذاشت، شرک، مخالفت با موسی، اطاعت

نکردن از هارون و کنارزدن او از امور جامعه. تضعیف هارون چه نفعی برای سامری داشت؟
 «قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي» (اعراف / ۱۵۰)
 یکی از برنامه‌های تخریبی سامری، تضعیف هارون بوده است. اکثر مفسران واژه «استضعفونی» را به معنای: «من را تحقیر کرده و به من ستم کردند» تفسیر کرده‌اند؛ بیشتر مفسران اهل سنت معتقدند، با انتخاب گوساله او را تضعیف کردند یا اهمیتی به هارون ندادند تا جایی که نزدیک بود او را بکشند یا در نبود موسی، هارون تضعیف شده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۴ / ۲۸۶؛ رازی، بی تا: ۱۵ / ۱۲؛ آلوسی، بی تا: ۹ / ۸۶)
 وقتی نماینده پیامبر در غیابش تضعیف شود، آب به آسیاب سامری‌ها ریخته خواهد شد. صاحب نظران اهل سنت به این قضیه اشاره کرده‌اند، اما اگر درس عبرتی از تاریخ گرفته می‌شد، یا داستان سامری در تفاسیر، مختص عصر موسی تعریف نمی‌شد، نوسامری‌های عصر پیامبر ﷺ به اهداف خود نمی‌رسیدند.
 بعد از رحلت پیامبر ﷺ علی ﷺ با ابوبکر بیعت نکرد. حضرت را به حضور خلیفه بردند تا به جبار از او بیعت بگیرند، حضرت فرمود: اگر بیعت نکنم چه؟ ابوبکر گفت: گردنت را می‌زنم. حضرت رو به قبر پیامبر ﷺ کرده و فرمود: «قَالَ ابْنُ أُمِّ إِبْنِ الْقَوْمِ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي». (اعراف / ۱۵۰) (ثمالی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۷۷ - ۱۷۶)

«استضعفوا» جمع مذکر است و اشاره به قوم موسی دارد. قوم به رهبری سامری، در نبود موسی با انتخاب گوساله، هارون را تضعیف و تحقیر کرده و به سخنانش بی‌توجهی کردند. شروع استضعاف هارون با سامری است اما قوم هم با او همراهی کرده و با اطاعت نکردن از هارون در استضعاف بیشتر او کوشیدند. سامری اول چراغ هدایت‌گر را خاموش کرد بعد گوساله را علم نمود. این برنامه مهمترین اقدام سامری بوده؛ زیرا بدون تضعیف هارون هرگز به خواسته‌های خود نمی‌رسید. این واقعه در تاریخ باید ثبت می‌شد تا فجایع بعدی اتفاق نیفتد.

طبق آیات، سامری اول به «اضلهم» پرداخت: «إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا» (طه / ۹۲) و بعد عامل شقاوت آنها شد. پرستش گوساله و نافرمانی از موسی و طرد هارون وسیله شقاوت و محروم شدن آنها از خیرات گردید: «فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى». (طه / ۱۲۳) طبق این آیه ضلالت مقدمه شقاوت است.

۸. موسی و شماتت قوم قبل از توبیخ سامری

«فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ...» (طه / ۸۶)
 چپش آیات گویای این مطلب است که موسی با عصبانیت از کوه طور بازگشته و اول به سراغ قوم

می‌رود و آنها را ملامت می‌نماید، در آیات متعدد از گوساله‌پرستی بنی‌اسرائیل صحبت شده است. (بقره / ۵۱، ۵۴، ۹۲ و ۹۳؛ نساء / ۱۵۳؛ اعراف / ۱۴۸ و ۱۵۲؛ طه / ۸۸) و در همه این آیات قوم موسی متهم به گوساله‌پرستی شده‌اند. صاحب‌نظران دلیل نسبت این تقصیر به قوم را، سکوت در برابر سامری و همراهی با او گفته‌اند. زیبایی این داستان آنجاست که خداوند بعد از نسبت دادن آن به بنی‌اسرائیل در سوره‌های دیگر، ناگهان در آیه ۵۸ سوره طه پرده از یک راز بزرگ بر می‌دارد، گمراهی قوم توسط یک نفر اتفاق افتاده و آن سامری بوده است. علت آن نسبت و این مواخذه چیست؟ موسی به سراغ قومش رفته و با سرزنش آنها، در پی دلایل منطقی است و آنها گمراهی خود را غیرارادی دانسته و سامری را مقصر می‌دانند و از زیورات قوم فرعون سخن می‌گویند. پاسخ گفتار نامعقول آنها را خداوند این‌گونه بیان می‌کند: «أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا». (طه / ۸۹) یعنی چرا تعقل نکردند که گوساله نمی‌تواند پاسخ آنها را بدهد و مالک نفع و ضررشان نیست. مشکل این قوم کم‌خردی و بهره‌نبردن از قوه عاقله‌شان بود. این آیه استدلال قوم را غیر منطقی دانسته و گناه بزرگ این قوم را علاوه بر ارتداد از ایمان به کفر، رضایت از عملکرد سامری و سکوت و همراهی با او می‌داند، آن‌هم بعد از حجت‌های روشن و نعمت‌های بسیار: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ غَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ * كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...» (طه / ۸۱ - ۸۰) و سومین گناه طغیان علیه صاحب نعمت. «وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» (طه / ۸۱) موسی با نهایت تلاش خود قائله سامری را خوابانید. خشم موسی، مواخذه قوم، شنیدن دلایل هارون و استنتاج سامری و در آخر سوزاندن گوساله، راهبرد موسی در برابر بدعت سامری و طرفداران او بود.

در آیه ۸۷ سوره طه از زبان قوم بیان شده که گفتند ما به اختیار خود خلاف نکردیم. کلمه «ملکنا» یعنی اختیار و توانایی. (الزید، ۱۴۱۶: ۴ / ۵۸۸؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۳ / ۲۱۸) اما مواخذه قوم، اشاره به نپذیرفتن دلایل غیرمنطقی آنها دارد و الا مورد سؤال و سرزنش قرار نمی‌گرفتند.

«... أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي.» (طه / ۸۶) واژه مهم بعدی غضب است. سامری عامل ارتداد شده اما خداوند بر قوم خشم می‌گیرد. در مفهوم غضب در روایات آمده است که اگر کسی معاصی و گناهان را در جامعه ببیند و سکوت کند و از آنچه موجب غضب خدا می‌شود، خشمگین نشود، گرفتار خشم خدا می‌شود.

القطب الراوندى فى قصص الأنبياء باسناده إلى الصدوق باسناده عن جابر عن الباقر عليه السلام قال قال

علی علیه السلام أوحی الله جلت قدرته إلی شعیا یکی از انبیاء بنی اسرائیل علیهم السلام انی مهلك من قومك
 منه الف أربعین ألفا من شرارهم وستین ألفا من خیارهم فقال هؤلاء الأشرار فما بال الأخیار فقال
 داهنوا اهل المعاصی فلم یغضبوا لغضبی. (بروجردی، ۱۳۷۳: ۱۴ / ۴۵۴)

امام باقر علیه السلام از قول حضرت علی علیه السلام: خداوند به شعیا وحی کرد که من یکصد و چهل هزار
 از اشرار و شصت هزار از نیکان را هلاک می‌کنم. شعیا (از پیامبران بنی اسرائیل) گفت:
 اینها اشرار هستند، خوب‌ها چطور؟ فرمود: با گنهکاران سازش کردند و به خاطر خشم من،
 خشمگین نشدند.

طبق این حدیث حتی افراد نیکوکار به خاطر سازش با گنهکار مجازات می‌شوند.

در این داستان ذکر شده که هارون بعد از قوم و قبل از سامری مورد خشم موسی قرار گرفت، هر چند
 هارون پاسخ‌های قانع‌کننده داد و در آخر، موسی برای او و خودش دعا کرد: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي
 وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ». (اعراف / ۱۵۱) اما
 دلیل این خشم بر شخصی که نهایت تلاشش را انجام داده چیست؟ دانایان و بزرگان جامعه موظف هستند
 در برابر بدعت‌ها و انحراف‌ها بایستند، تا هیچ سامری به اهدافش نرسد و اگر بی‌توجه باشند، مورد خشم
 خداوند قرار خواهند گرفت.

الحسين بن محمد عن معلي بن محمد عن محمد بن جمهور
 العمي المحاسن البرقي عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن
 جمهور العمي يرفعه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله إذا ظهرت البدع في
 أمتي فليظهر العالم علمه فمن لم يفعل فعليه لعنة الله. /
 الجعفریات باسناده عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال من رد علي
 صاحب بدعه بدعته فهو في سبيل الله تعالی. (بروجردی، ۱۳۷۳: ۱۴ / ۴۵۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه بدعت در امت من ظاهر شود، دانشمند باید علمش را آشکار کند و کسی که
 این کار را انجام ندهد، لعنت خدا بر او باد. علی بن ابی‌طالب علیه السلام فرمود: کسی که بدعت اهل بدعت را پاسخ
 دهد، او در راه (رضای) خداوند متعال است.

۹. سامری واضع سه نوع ارتداد در امت اسلام

در آیاتی از قرآن کریم صحبت از خطر ارتداد و نتایج آن شده است. همه این هشدارها به امت پیامبر صلی الله علیه و آله
 است که از ناحیه منافقان و اهل کتاب و کافران دعوت به کفر می‌شوند، در سوره‌های: (بقره / ۱۰۹ و
 ۲۱۷؛ آل عمران / ۹۱ - ۸۵، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۴۴، ۱۴۹ و ۱۶۴؛ نساء / ۱۳۷؛ مائده / ۲۱ و ۵۴؛ انعام / ۷۱؛ توبه
 / ۶۶ و ۷۴؛ محمد / ۲۵). هشدار به امت اسلام است. به جز آیه ۲۱ مائده که تذکر به قوم بنی اسرائیل

داده، در بقیه آیات مسلمانان مورد خطاب هستند.

حمایت مسلمانان از سامری‌ها عامل ارتداد امت اسلام شد.

و بالإسناد إلی زید بن أرقم، قال: قال رسول الله ﷺ: أ لا أدلكم علي ما إن استدلتم به لن تهلكوا ولن تضلّوا؟ قالوا: بلی یا رسول الله، قال: إن إمامكم وولیکم علی بن أبي طالب، فوازروه وناصحوه وصدّقوه؛ فإن جبرئیل أمرني بذلك. (طریحی نجفی، بی‌تا: ۱/ ۱۱۹)

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا شما را راهنمایی کنم به چیزی که اگر به آن احتجاج کنید، هرگز هلاک نمی‌شوید و گمراه نمی‌گردید؟ گفتند بله ای رسول خدا. فرمود: امام و ولی شما علی بن ابی‌طالب است. او را تأیید کنید و همراهی کنید و به دیدارش بروید و رهایش مکنید. جبرئیل من را به آن امر کرده است. طبرسی از ابویحیی نقل کرده که علی بن ابی‌طالب ﷺ بعد از فتح بصره به گروهی که اطراف حضرت جمع شده بودند، فرمود: بدانید در هر جمعیتی یک سامری وجود دارد. (طبرسی، ۱۳۸۱: ۱ / ۳۷۱)

«السامري حيث إنه يجري في هذه الامه كلما جري في الامم السالفه، يكون لهذه الامه أيضا سامري وعجل. والظاهر أنه الثاني وعجله الأول. ويشهد لذلك قول فاطمه الزهراء صلوات الله عليها: هذا السامري وعجله». (نمازی، ۱۴۱۹: ۵ / ۱۴۴) سامری همانطور که در این امت هست، همچنان در امت‌های گذشته نیز بوده است، این امت دارای سامری و عجل است و ...

در تفسیر تسنیم آمده است، مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز و گرنه تسنم سامری‌های سقیفه و تعجل عجل‌مداران ولایت‌گریز و امامت‌ستیز، نه مغفول است و نه مغفور، چنان که تصریح و تنصیب نبوی ﷺ به خلافت علوی ﷺ نه مستور است و نه منسی و تنزیل علی بن ابی‌طالب ﷺ به منزله هارون در حدیث منزلت، نه مبهم است و نه مجهول. باری بگذاریم مکتب‌ها و مذهب‌ها، تجلی کند و امت اسلامی را به محور وحدت آشنا و به مدار اتحاد فراخواند و جامعه بشری به صوب صواب متمایل گردد و از ثواب الهی طرفی بندد. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۴ / سایت شهید آوینی)

آنچه طرح پژوهش حاضر را ضروری می‌نماید، آگاهی از اقسام ارتداد در بین مسلمانان بعد از رحلت رسول خداست. مخالفت با فرامین الهی و سخنان پیامبر و شکستن عهد غدیر و خانه‌نشین کردن علی بن ابی‌طالب، دقیقاً همان پروژه‌هایی است که سامری در قوم موسی پیاده کرد با این تفاوت که آنها داستان سامری را نخوانده بودند، اما مسلمانان با وجود آگاهی از این واقعه، تکرار آن را رقم زدند. دیگر اینکه موسی بازگشت و آن قائله را خوابانید اما در امت اسلام پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ این واقعه برپا شد و تضعیف

مولا علی علیه السلام آن قدر شدید بود که حضرت ۲۵ سال سکوت کرد و توده مردم در بازگرداندن حق ایشان همداستان نشدند و فاجعه ارتداد در طول ۱۴ قرن امتداد یافت.

«قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ...» (طه / ۹۷)
قرآن کریم پیام سامری را برای همه امت‌ها از زبان موسی و شخص سامری بیان کرده است. موسی از جانب خداوند به او گفت، دور شو؛ سامری هم می‌گفت: به من دست نزنید.

صاحب‌نظران گفته‌اند، سامری از اجتماع طرد شد و احدی حق نداشت با او ارتباط داشته باشد و دچار وسواس شدید شد به گونه‌ای که هر کس به او نزدیک می‌شد، فریاد می‌زد به من نزدیک نشوید. علامه طباطبایی این وجه را در صورت صحیح بودن روایت، وجه خوبی می‌داند. (طباطبایی، بی‌تا: ۱۴ / ۲۷۶)
از نظام هندسی سوره می‌توان دریافت، هر قومی باید عامل ارتداد از ایمان به کفر را از خود دور نمایند (فادهب). خطر این اشرار آن قدر زیاد است که کسی نباید به آنها نزدیک شود و با آنها تماسی داشته باشد (لامساس) چراکه اینها عامل مخالفت با خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و دستوراتش بوده و راه ورود به کفر را بر پیروانشان هموار می‌کنند: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ». (آل عمران / ۳۲)

در مقابل سامری و پیروانش، سلام و رحمت خداوند بر کسانی است که از راه هدایت پیروی کنند و مجذوب عجل‌های بی‌جان نشوند: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى». (طه / ۴۷)
در این آیه سلام و تحیت به فرعون بر نمی‌گردد، بلکه معنایش این است که هرکس هدایت را بپذیرد از عذاب خدا در امان می‌ماند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳ / ۹۴) ابوذر غفاری مصداق بارز کسانی است که در حمایت از دین الهی و دستورهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مبارزه با ارتداد، تبعید را بر زندگی راحت برگزید هنگام تبعیدش به ریزه توسط عثمان، حضرت علی علیه السلام به او فرمود:

يا أباذر انك غضبت لله فارح من غضبت له ان القوم
خافوك علي دنياهم وخفتهم علي دينك فاترك في أيديهم
ما خافوك عليه... (خطبه / ۱۳۰)

ای ابوذر تو برای خدا به خشم آمدی و به او هم امید داشته باش. این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند و تو برای دین خود از آنها ترسیدی. دنیا را برای آنها بگذار و با دینت از آنها فرار کن. چه محتاجند به آنچه از آن منعشان می‌کردی و چه بی‌نیازی، از آنچه تو را منع می‌کردند و به زودی خواهی یافت که فردا پیروزی برای کیست و چه کسی بیشتر مورد حسد قرار می‌گیرد. اگر درهای آسمان‌ها و زمین‌ها به روی بنده‌ای بسته شده باشد، اما او از خدای بترسد، خداوند راهی برای او خواهد گشود؛ آرامش خویش را تنها در حق جستجو کن و غیر

از باطل چیزی تو را به وحشت نیفکند؛ اگر دنیای‌شان را می‌پذیرفتی دوستت داشتند و اگر سهمی از آن را به خود اختصاص می‌دادی (و با آنها کنار می‌آمدی) دست از تو بر می‌داشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۲۸۱)

نتیجه

قرآن کریم در دوازده آیه به صراحت از ارتداد به معنای بازگشت از دین و ایمان به سمت کفر، سخن گفته است، طبق نظام هندسی سوره طه، ارتداد در قوم موسی، با ترک خداپرستی «عَجَلًا جَسَدًا لَّهُ خُورًا فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى» و مخالفت با حضرت موسی علیه السلام «أَفْطَالٌ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ» و تضعیف هارون «فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي» اتفاق افتاده است. سامری می‌داندست که برای رسیدن به رهبری باید سه ضلع مثلث اکمال دین را تخریب کند و آن خدای متعال و حضرت موسی و هارون علیه السلام بود. با غیبت ۴۰ حضرت روزه موسی علیه السلام، گذر از این حایل بزرگ برایش هموار شد، مانع سخت بعدی هارون بود، اگر بتواند از این عامل بازدارنده قوی عبور کند، بنیاد شرک را بنا نهاده است. برای این منظور به سراغ استضعاف و تهدید هارون رفت. حضرت هارون علیه السلام تذکرات لازم را بیان کرد، اما از ترس پیش‌آمد جنگ داخلی مجبور به سکوت شد و سامری قوم را به سمت پرستش گوساله رهنمون کرد.

با کنار گذاشته شدن هارون، هم با موسی مخالفت شد و هم ایمانشان در پرستش گوساله ناپدید شد. این انگاره سامری در کتاب آسمانی آخرین نبی صلی الله علیه و آله بی‌دلیل ذکر نشده است، که اگر مسلمانان به دنبال فهم عمیق و عمل به درس‌های قرآن بودند، مسیر هدایت به انحراف کشیده نمی‌شد.

آیاتی که اطاعت از خداوند و رسول و اولوالامر را بر همگان واجب کرده، مؤید این واقعیت است که اطاعت از هر سه در یک راستا قرار دارد و تبعیت از یکی بدون دیگری رفتن در مسیر کفر و شرک است: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُجِبُّ الْكَافِرِينَ».

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

الف) کتابها

— أبوحیان أندلسي، محمد بن يوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحيط في التفسير*، بيروت، دار الفكر.
— آلوسي، شهاب‌الدین سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعاني في*

- تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني، ج ٩، بيروت، دار الكتب العلميه.
- ابن عاشور، محمدطاهر، ١٩٨٤ م، التحرير و التنوير، ج ٢٢، تونس، دار التونسيه.
- ابن فارس، احمد، ١٣٩٩ ق، معجم مقاييس اللغه، بيروت، دار الفكر.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٤١٤ ق، لسان العرب، ج ٣، بيروت، دار صادر، ج ٣.
- اسدي، كميت بن زيد، الروضه المختاره، القوائد الهاشميات و القوائد العلويات، ١٣٩٢ ق، بيروت، مؤسسه الاعلمي.
- بروجردي، سيد حسين، ١٣٧٣ ش، جامع أحاديث الشيعة في أحكام الشريعة، قم، صحف.
- بستاني، فواد افرام، ١٣٦٦، فرهنگ جديد عربي فارسي (منجد الطلاب)، ترجمه محمد بندريگي، تهران، اسلامي، ج ٥.
- تفسيرمنسوب به امام حسن عسكري، تفسير الامام عسكري عليه السلام، ١٤٠٩ ق، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام.
- ثعلبي، احمد بن محمد، ١٤٢٢ ق، الكشف و البيان، ج ٤، بيروت، دار احياء التراث العربي.
- ثمالي، ابوحمزه، ١٤٢٠ ق، تفسير ابوحمزه، ج ١، قم، الهادي.
- جوادي آملّي، ١٣٨١ ش، تفسير تسنيم، ج ٤ و ٥، قم، اسراء. (سایت شهيد آويني)
- جوادي آملّي، ١٣٨٩ — ١٣٨٨ و ١٣٩٥ و ١٣٩٦ ش، آرشيو دروس خارج تفسير جوادي آملّي، سايت مدرسه فقاها، مشخصات نشر ديجيتالي، اصفهان، مركز تحقيقات رايانه اي قائميه اصفهان، ١٣٩٦ ش.
- جوادي آملّي، ١٣٩٧ ش، تفسيرسوره تغابن، ٩٧/٢/١٧، جلسه ٦ <http://javadi.esra.ir>.
- جوهرّي، اسماعيل بن حمود، ١٤٠٧ ق، الصحاح، تحقيق احمد بن عبد الغفور عطار، بيروت، دار العلم.
- حلي، حسن بن مطهر، ١٣٧٥ ش، المستجاد من كتاب الارشاد، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- خازن، علاء الدين علي بن محمد، ١٤١٥، لباب التأويل في معاني التنزيل، بيروت، دار الكتب الاسلاميه.
- رازي، فخرالدين محمد بن عمر، بيتاء، التفسير الكبير / المفاتيح الغيب، ج ١٥، بيروت، دار احياء التراث العربي،

چ ۳.

- راغب اصفهانی، الحسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات في غريب القرآن*، بیروت، دار القلم.
- زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۷ و ۱۵، بیروت، دار الفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الاقوال في وجوه التاويل*، بی‌تا، بیروت، دار الكتاب العربی.
- الزید، عبدالله بن أحمد، ۱۴۱۶ ق. *مختصر تفسير البغوي*، ریاض، دار السلام.
- صدوق، محمد بن علی، بی‌تا، *معاني الاخبار*، بیروت، دار المعرفة.
- طباطبائی، سید محمدحسین، بی‌تا، *الميزان في تفسير القرآن*، ج ۴ و ۱۴، قم، اسماعیلیان.
- طبرسی، ابومنصور احمد، ۱۳۸۱ ش، *الاحتجاج علي اهل اللجاج*، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن، بی‌تا، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طریحی نجفی، فخرالدین محمدعلی، بی‌تا، *جواهر المطالب في فضائل علي بن ابي طالب*، مشهد، کتابخانه امیرالمؤمنین (ع).
- طنطاوی، سید محمد، ۱۹۹۸ م، *التفسير الوسيط*، قاهره، دار نهضة مصر الفجالة.
- عسکری، ابوهلال، ۱۴۱۲ م، *الفروق اللغويه*، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العين*، قم، دار الهجرة، چ ۲.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۶ ق، *القاموس المحيط*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۷ ش، *تفسير سوره محمد (ص)*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۸.
- قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۹۱ ش، *تفسير احسن الحديث*، ج ۶، قم، نوید اسلام.
- قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۴۱۲ ق، *قاموس قرآن*، ج ۳ و ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۶.
- کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۳۶ ش، *تفسير منهج الصادقين في الزام المخالفين*، ج ۱۳، تهران، علمی، چ ۳.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، ج ۱۳، بیروت،

- دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- مدرس، سید محمدتقی، ۱۳۷۷ ش، *تفسیر هدایت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ ۳۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۴ ش، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، قم، مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام.
- میرزایی، نجفعلی، ۱۳۸۱ ش، *فرهنگ اصطلاحات معاصر؛ عربی فارسی*، قم، دار الثقلین.
- نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۹ ق، *مستدرک سفینه البحار*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- واحدی نیشابوری، علی بن احمد، ۱۴۱۵ ق، *الوسیط فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ب) مقاله‌ها

- احمدی، عبدمحمد، ۱۳۹۰ ش، «راهکارهای پیشگیری و درمان جاه‌طلبی از دیدگاه اسلام»، *معرفت*، ش ۹۲، ص ۶۵ — ۵۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- اصفهانی، ابراهیم، ۱۳۸۲ ش، «نگاهی به عوامل جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دین‌گریزی با تکیه بر یافته‌هایی از سوره هود»، *معرفت*، ش ۶۴، ص ۳۰ — ۱۳، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- عباسپور، ابراهیم، ۱۳۹۰ ش، «تحلیل محتوای گزاره‌های دینی ناظر بر نظریه‌گزینش عقلانی»، *معرفت*، ش ۱۶۲، ص ۵۰ — ۳۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- گلستانی، صادق، ۱۳۹۰ ش، «جامعه‌شناسی معرفت در قرآن»، *معرفت*، ش ۱۰۹، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مجدقی‌هی، محمدعلی و محمدعلی ریحانی‌نیا، ۱۴۰۰ ش، «تفسیر مفهومی اولی‌الامر در نظام هندسی سوره نساء»، *مطالعات تفسیری*، ش ۴۸، ص ۲۶ — ۷، قم، دانشگاه معارف اسلامی.